



شماره ۵	اول مرداد ماه ۱۳۰۵	سال ۴
No. 5	23 juillet 1926	Année 4

قمت فلسفی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

آینده بشر انسانی

== ۲ ==

تظاهرات قرن بیستم — اثرات قوه فکر و اراده — آواز جریانهای
فکری و روحی — پیش بینی انقلابهای قرن بیستم — تنقیدات
متفکرین از تمدن غرب — لزوم تمیز و اخلاق و فضیلت.

رن بیستم تنها انقلابهای سیاسی و اقتصادی برای
ما ارمغان نیاورده بلکه اولاً پشت سر این انقلاب
ها بعضی انقلابهای فکری و روحی در کار بوده
که آن یکیها را تولید کرده است و ثانیاً در



حوزه علوم و فنون و بخصوصی در فلسفه و الهیات و در عقاید و روحيات نیز انقلابهای بزرگ و اکتشافات و تجدیدات مهمی بعمل آمده که یقیناً تأثیرات عظیم در مقدرات آینده بشر خواهند بخشید! این يك قاعده طبیعی است که مردمان بی‌علم و ظاهرین که در همه جا اکثریت دارند نظر ایشان را فقط حوادث عظیم و ولوله انگیز جلب میکند و ایشان فقط در پیش حادثات دهشتناک و محسوس متأثر می‌شوند. دیده این زمره آن رشته‌های باریک را که تاروپود این وقایع را تشکیل میدهند نمی‌بیند و رنگهای اصلی و مصنوعی آنها را از هم تشخیص نمیدهد! ولی در نظر دور بین و کنجکاو عقلا و صاحبان بصیرت و اطلاع اینطور نیست! ایشان در هر حادثه و واقعه قوه مولد و محرك آنرا می‌جویند و می‌یابند یعنی در هر معلول پی علت می‌گردند و حلقه‌هایی را که سلسله حادثات را بهم پیوند کرده است جستجو میکنند!

وقتی که يك نظر سطحی به حوادث بیست و پنج سال گذشته می‌اندازیم براسق مبہوت و متعجب می‌شویم که قرن بیستم چه انقلابهای بزرگ که در نظر ما خواب و خیال بود همراه آورده است! در این مدت کم چه سلطنتهای استبدادی که از میان رفته؛ چه سلاطین قهار و جابر که خود را خدای زمین و مالک رقاب امم و صاحب لوح و قلم می‌پنداشتند بخاک مذلت نشسته و با زشت ترین حالی جان سپرده‌اند! چه تغییرات بزرگ سیاسی که در عالم روی داده و چه انقلابهای خونریز که سر زده و چقدر خونها ریخته و چقدر عمارتها و آبادیها ویران گشته است!

از طرف دیگر در ظرف همین مدت آقدر اختراعاتی مهم بعمل آمده و آقدر ترقی‌ها و آبادیها و تجددها در اغلب مملکتها و در قلمرو علوم و صنایع حاصل شده است که عقلمها را حیران

می‌سازد و انسان را اطمینان می‌دهد که تمام تصویری که امروز افسانه و محال بنظر می‌آید قطعاً در مشیمة قدرت انسانی موجود و مخفی است و فردا قدم بجهان تحقق خواهد گذارد!

اینها همه محسوسات و مشهوداتیست که می‌بینیم لیکن آن اسباب خفی که این حالات و حادثات را زائیده است در نظر اول برای ما پوشیده است! این اسباب همان انقلاباتی است که در طی قرن‌های اخیر بتدریج در اعماق مغزها و قلبهای مردم تکون یافته و نشو و نما کرده است! بلی این انفجارهای زهره‌شکاف و سرنگون ساز آسایش، نتیجه آن آتش تند و تیزافکار است که در مراکز دماغهای بشر سالهاست آماده سر زدن و شعله‌ور شدن بوده است! اساساً تمام اعمال بنی آدم و از آنرو مقدرات وی محصول فکر و اراده اوست. در ظاهر يك فرد، هر قدر هم كلری را بی فکر و بی اراده انجام بدهد باز خالی از فکر و اراده نیست گر چه غیر محسوس باشد! همینطور مجموع افکار و اراده‌های يك ملت، محرك و اساس اعمال اوست و مجموع اعمال وی مولد مقدرات او میباشد چنانکه افکار و اعمال قرنهای گذشته بشر مقدرات امروزی او را زائیده است و بدین جهت بود که در مقاله گذشته، قوه فکر و اراده را «بزرگترین و قاندرترین قوای خالقة روح» گفتم و در حقیقت هم چنین است و جهان ما مخلوق این دو قوه است! و نیز بدین مناسبت است که جمعی از فلاسفه گفته‌اند که کل موجودات نتیجه «تفکر خدا» است یعنی در آن آن که خداوند تفکر کرد کاینات آفریده شد و هر آن که از تفکر باز ایستد کل موجودات معدوم میگردد یعنی به منبع خود بر میگردد! این عقیده شباهت کامل دارد بدان تعبیر که برخی از حکما می‌گویند که کل کاینات مخلوق تنفس خدا است یعنی وقتی که خدا

نفسی بر آورد عوالم آفریده شد و هر آن که نفس خود را واپس کشد همه عوالم نیست می شود یعنی بذات حق تعالی بر میگردد! (۱) این تعبیرات و تشبیهات بخوبی مضای «و نخت فیه من روحی» را می رساند و شخص متفکر را به اسرار خلقت آشنا می سازد و بدین ملاحظه است که حکما و عرفای ما هم جهان و زندگی انسان را بیک «دم» یعنی نفس تعبیر کرده اند!

باری غرض این بود که قوه فکر و اراده و یا ادناک و حرکت، مقدرات بشر را معین میکند و در مقاله گذشته مختصراً شرح دادم که افکار متراکمه قرنهای گذشته چگونه اوضاع کنونی را تولید کرده است و حالا که میخواهیم نگاهی به آینده بشر بیندازیم باید جریانات فکری و انقلابهای دماغی و روحی عصر کنونی را تحقیق و موشکافی کنیم تا اوضاع آینه در آئینه بصیرت ما نمایان گردد!

برای حل این مسئله باید سه موضوع را مورد بحث قرار داده شرح بدهیم: *پوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*
۱ — محور افکار امروزی که فردای بشر را حاضر میکند چیست؟

۲ — علایم و آثاری که از حالا دلالت بچگونگی دور جدید میکند کدام است؟

۳ — دور جدید ما یعنی آینده نزدیک بشر در چه شکلی ظهور خواهد کرد و صفات بارزه آن چه خواهد شد؟

اگر این نکته ها را تدقیق کنیم آنوقت از یکطرف حکمت

(۱) صاحب کتاب ابواب الجنان، این فکر را در مقدمه کتاب خود بایک عبارت خوب

بیان کرده و چنین گفته است:

«قادر بیکه اگر نمیان قدرتش نفس ایجاد عناصر واپس کشیدی، امتناع خلاء

شیشه فلك را درهم شكنی.»

نیک بینی بعضی از متفکرین که یک آینده روشنتر و پاکتری را پیش بینی میکنند معلوم میشود و از طرف دیگر تکالیف فردی و اجتماعی ما نیز خود بخود واضح میگردد!

از ربع اخیر قرن گذشته یعنی از پنجاه سال باینطرف تبدلات ضعیف و غیر محسوس ولی متوالی و قطعی در افکار و عقاید مردم اروپا و آمریکا نسبت به تمدن غرب و ثمرات آن شروع به نمود کرده است! از این تاریخ کم کم متفکرین روشن بین این دو قطعه مهم حکمران دنیا در باره نتایج ترقیات علمی و فنی به شبهه افتاده و بنای تنقید را گذاشته نخستین ضربه‌های تنفر را به ییگر فلسفه ماده پرستی نواخته‌اند یعنی صدای خود را بر ضد شکل حاضر تمدن غرب بلند کرده مضرات آن را توضیح و مردم را به احتراز از آفات این تمدن دعوت نموده‌اند!...

کیفیت ظهور این جریانهای فکری و فلسفی که آنها را «نهضت معنوی و روحانی» باید نامید شرحی لازم دارد که ناچار باید یک مقاله مخصوص بگذارم. مسئله تعارض مادیت با معنویت و جسمانیت با روحانیت و حدود انقلابهای سیاسی و علمی قرن بیستم از نظر علمای علوم اسرار دور نیفتاده بوده است و بعضی از ایشان این حوادث را چندین سال قبل از حلول قرن بیستم خبر داده بودند:

«ویلیام کوان جیج» آمریکائی که یکی از واقفین علوم مخفی و از پیروان و عمل کنندگان فلسفه هند بود در سال ۱۸۹۳ چنین نوشته بود:

«نخستین مرحله پنجهزار ساله «دور سیاه = کالی یوگا» (۲) در میان سالهای ۱۸۹۷ و ۹۸ به آخر خواهد رسید. این دور در سال ۲۱۰۱ قبل از میلاد شروع شده بود. حالاکه از ختام این دور چند سال بیش نمانده است موقع آنست که ارباب علوم و فنون دقت کنند که در سالهای قبل و بعد از ختام این دور چه تزلزلها و انقلابهای سیاسی

و فنی و طبیعی (زمینی) يك يك و یا همه در یکجا سر خواهد زد. از حالا تبدلات دوره وی شروع بظهور میکنند زیرا سال بسال ارواح تمدنهای قدیم در اجسام این عهد که نسبت به ازمته سابق آزادتر و وارسته‌تر از قیود جهالت و خرافات مذهبی است حلول مینماید! و بدین جهت ما يك عصری را استقبال میکنیم که همه احکام فلسفه و دین و حیات اجتماعی در آن تغییر باید بیابد.

از تاریخ این اظهارات که حالا ۳۱ سال میگذرد واقعا بسیار وقایع مهم روی داده است که در ظاهر همه جا غلبه با زور و مادیت بوده است ولی چنانکه گفتیم از پنجاه سال باین طرف هم افکار بعضی از فلاسفه و حکما بطرف اخلاق و معنویت معطوف شده وجود يك خالق اعظم را با تعبیرات گوناگون اعتراف نموده يك عالم معنوی غیر مادی قائل شده و لزوم قوانین اخلاقی و دینی را احساس و اعلام کرده‌اند! کشفیات خارق‌العاده در فن روحيات و اوضاع سیاسی و اقتصادی دنیا در نمودن تخم این افکار و عقاید که در دماغهای مردم افشانده شده است خدمت بزرگی کرده و میکند!

در خود آمریکا اشخاصی مانند «امرسون»، دکتر کویمبی، درده، مولفورد، ماردن، سه‌تون، ادگر تون، تاون (۳) و غیره پیشرو این عقاید معنوی بوده‌اند! امرسون میگفت که قوانین اخلاقی نیز مانند قواعد فیزیک و شیمی قطعی و ثابت است و باید آنها را مراعات کرد! در مملکتهای دیگر نیز این عقاید کم و بیش طرفدار پیدا کرده است بخصوص پس از جنگ جهانگیر که لکه سیاهی به‌رخسار تمدن غرب انداخت، میدان تنقید گشاد و زبان اعتراض

(۲) «سکالی یوگا» در زبان سانسکریت بمعنای «دور سیاه است که بمقیده برهنان، این دور ۴۳۲۰۰۰ سال طول دارد و آخرین مرحله عمر زمین است. پنج هزار سال اول این دور در ۱۸۹۷ ختام یافته است در هر پنج‌هزار سال انقلابات بزرگی روی میدهد. (ایران‌شهر)

(۳) Emerson, Dr. P. Quimby, H. W. Dresser, P. Mullford, Marden, I. Seton, Edgerton, E. Towne.

دراز شده چنانکه در اغلب کتب فلسفی نمونه آنرا میتوان پیدا کرد و نشریات «انجمنهای صلح طلب» و «روحیون» و «نهضت های جدید» و «افکار نو» و «زنان صلحجو» و غیره از بیانات مهیج در تنقید مادیت و بلایای تمدن غرب و نزدیک شدن اقراض این تمدن پر است. من در اینجا بذکر دو مثال اکتفا میکنم: رئیس انجمن «فکر جدید» در شهر «شتوتگارت» (آلمان) در کتاب جدید خود موسوم به «فکر، رهنمای تو باشد» چنین می نویسد: «بدترین نتیجه این فلسفه مادیت (ماتریالیزم) این است که روز بروز توده های عوام را از معنویت روگردان ساخت. از آنجا که در این فلسفه، عقیده آخرت و بقای روح بعد از مرگ و از آنرو یک مسئولیت معنوی را انکار میکنند لذا حسیات خودپرستی و خوش گذرانی مدعشترین شکلی بخود گرفت و رقص در اطراف کاو ساله طلائی (اشاره بکاواساله سامری و حرص صید ثروت و زر اندوزی) روز بروز پرشورتر شد. بت منبت را بدرجه خدائی بالا بردند، برای او قربانیها کردند و او را پرستش نمودند! تا آن درجه که گفتند: بگذارید بخوریم و بنوشیم! بگذارید حظوظ زندگی را بچشمیم زیرا فردا است که همه خواهیم مرد و پس از مرگ ما طوفان! یعنی دنیا پس مرگ من چه دنیا چه سراب!

«بتحریر این گونه عقاید، مردم بغارت کردن برادران نوعی خود بدون شرم و بطور وحشیانه مشغول شدند و بدینقرار در یک طرف خزاین بی شمار ثروت بدست افراد معدود جمع شد و در طرف دیگر یک سفالت جگرسوز در کلبه های توده فقرا خیمه زد!»
 «عقاید مادیت، همه نوع احساسات اخوت و مرحمت را خفه کرد و با جنگهای طبقاتی و اعتصابها و تبعیدها و حبسها، حیات اقتصادی ما را متزلزل ساخت. از تأثیر این گونه محیط جنگ جهان

گیر زائیده شد یعنی این بزرگترین فاجعه بشریت که در آن برای پشهای منیت نذرها و قربانیهای خون تقدیم کردند بازی کرده شد. در این جنگ خودپرستی و زرپرستی، غالب و مظفر درآمد و در این جنگ با کمال گستاخی روی اجساد ملیونها افراد بشر قدم گذاشتند! و تمام این فجایع را «جهاد برای حق و حریت» نامیدند! گویا برای خاطر تمدن و انسانیت بود که مانند حیوانات افراد بشر را برضد همدیگر برانگیختند و همدیگر را پریشان و نابود کردند و آثار مهم مدنیت را که نتیجه زحمات قرنهای گذشته بود بی پروا و وحشیانه خراب نمودند!».

و نیز «دکتر آ. دولوگا» در جریده ایتالیائی موسوم به «ایل ولتروئه لوسه» بیان نامه خطاب به رؤسای حکومتات عالم و به پارلمانها و ملتها و معتقدین عالم ارواح نشر کرده و در آنجا چنین نوشته است:

«در موقع جنگ میگفتند: «ازین جنگ، عالم بشریت اصلاح خواهد شد» جنگ تمام شد و حال بشر هم از بدتر گردید. تکبر و تشنگی طلا و بیدالتی، ملتها را دچار مصیبت کرده است... کره زمین که بایستی بهشت برین ما باشد کم مانده است نمونه جهنم «دانته» (۴) شود زیرا چیزی جز زور در آنجا حکمفرما نیست. سالهای جدید و وحشتناک برای جنگ فردا حاضر میکنند و هرگز بقدر امروز پدر کشی و برادر کشی در عالم نبوده است. ملتها همدیگر را سخت دشمن میدارند و اگر طرز زندگانی خود را تغییر ندهند یکی پس از دیگری محو خواهند شد. ای حکومتها، ای رؤسای ممالک! از استعمال جبر و زور درگذرید! زمین ما نباید میدان رقابت تهسید آمیز یکی با دیگری باشد! زمین یک مدرسه تطهیر است که انسان باید در آنجا تعیبت قوانین طبیعت را نموده و کم کم خود را تطهیر کند! بشتایید به اصلاح کردن آن فسادیکه فساد آنرا تولید کرده است و ایمان بیاورید به این که بر حسب حقایق روشنی که هر روز، تدقیقات فلسفه روح پیش نظر ما میگذارد، ممکن است که روی زمین بوسیله محبت و نیکی اداره شود.»

گرچه با این صداهاهی ضعیف و اعتراضهای خشک و تشکیلات مختصر نمیتوان کاملاً جلوگیری از استیلای مادیت و حرص و طمع و تسلط دنیاپرستان کرد لیکن باید دانست که همه

(۴) «دانته» یکی از شعرای معروف ایتالی است که کتابی بعنوان «کومدی خدائی» نوشته و در آن اوضاع جهنم را با همان اوصافی که در کتب اسلام دارد شرح داده است.

انقلابها نتیجه اینگونه جریانهای ضعیف افکار بوده است که مانند
 شراره‌های کوچک به جهیدن شروع نموده و در طی زمان بهم
 دیگر وصل شده مانند کوه آتش فشان سر زده است چنانکه تولد
 مسلک اشتراکی «بولشویزم» و «کومونیسم» در نتیجه فشارهای
 جابرانه مادیت بعمل آمده و امروز هم کسی قادر به خاموش کردن
 این آتش سوزان نیست و بلکه استعداد آن دارد که عالمگیر شود!
 بلی آن طوفانهای مهیب که در دریاها سینه‌های کشتی‌ها
 را می‌شکافد و بزرگترین نمونه‌های قدرت و صنعت دست بشر را
 در چند دقیقه نابود و در اعماق خود مدفون می‌سازد کلر آن موج
 ها نیست که از وزش باد و تلاطم سطح دریا حاصل می‌شود بلکه
 کلر آن امواجی است که جسته جسته از عمق دریاها و اوقیانوسها
 برمی‌خیزند و خیزابهای کوه پیکر و گردابهای دره آسا بر میانگیزند!
 پس ما هم که می‌خواهیم زندگی خود را تغییر دهیم و بحیات
 جدیدی داخل شویم نباید بقبول و تقلید آثار ظاهری و ترقیات
 مادی و فنی تمدن غرب اکتفا کنیم بلکه باید آن انقلابات و تجدیدات
 فکری و معنوی را که دارد در مشیمه این تمدن شکل می‌یابد
 پیش نظر بیاوریم و به‌یمنیم چه بهره می‌توانیم از این درسهای تاریخی
 و اجتماعی بریم! باید بفهمیم که چنانکه يك مرد نادان و بی‌اصالت
 با تغییر لباس شخص فاضل و نجیب نمی‌شود، همینطور يك ملت
 ضعیف و جاهل، بمحض تقلید ترقیات مادی و فنی و آرایش دادن
 در و دیوار و تغییر لباس و بستن فوکول و کراوات خوشبخت و
 متمدن نیگردد! اینها همه قالب و پوست است باید طالب مغز شد
 و حقیقت را جست. من جز در اخلاق و تربیت، جز در تزکیه
 نفس و تصفیه قلب و جز در تألیف علم با فضیلت، جای دیگر مغز
 و حقیقت و سعادت نمی‌بینم.